

## نگاهی بر جایگاه و بایستگی صلح از منظر آیات و روایات

معین مسلکی دکترمین الدین مظفری

### قسمت اول:

#### خلاصه

یکی از حقایق انکار ناپذیر این است که به حکم آیه کریمه ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾<sup>البقرة: ۲۱۳</sup> صلح و آرامش حالت اصلی جامعه بشری و نزاع، کشمکش و اختلاف حالت عارضی و استثنائی آن است، ازین رو دین مقدس اسلام به ویژه آیات و روایات، قضیه صلح و آشتی را در سلک برنامه های طراز اول خویش قرار داده و با در نظر داشت اینکه صلح و آرامش از جمله مسائل اساسی و ریشه داری است که با روح و طبیعت اسلام عزیز رابطه و پیوند ناگسستنی دارد، و اسلام عزیز نسبت به همه ادیان، مکاتب و اندیشه ها به آن زیادتر تریز نموده و بشریت را در سطوح مختلف به سوی آن فرا خوانده و به اعمال و بهره برداری از آن تحت عنوان ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾<sup>النساء: ۱۲۸</sup> تشویق و ترغیب نموده است، خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به دفعات مسلمانان را به اصلاح و ایجاد صلح بین مردم امر فرموده و آنها را در اختلافات بین خودشان، توصیه و سفارش به مصالحه کرده و صلح را برتر و بهتر معرفی کرده است در واقع خداوند متعال هم به اصلاح و ایجاد سازش مسلمانان را امر کرده است و هم طرفین اختلاف و منازعه را به سازش و مصالحه توصیه و سفارش نموده است. پژوهش ها در این جهت توضیح و تشریح همین حقیقت صورت گرفته است، بیانگر آن است که از دید آیات و روایات، قضیه صلح و آشتی یک قضیه جامع و همه شمول بوده، از یکطرف وجبیه طرفین نزاع و اختلاف است تا به ندای صلح و آشتی لبیک گفته و قضایای مورد تنازع را اعم از اینکه مدنی باشند و یا جزائی از طریق همین شیوه معقول، منطقی، کم هزینه، رافع نزاع و قانع ریشه های خصومت و غیر زمان گیر حل و فصل نمایند، و از طرف دیگر با در نظر داشت معیاریت مسئولیت اجتماعی، وجبیه و تکلیف افراد بیرون از حیطه و دایره تنازع و اختلاف است، تا با امتثال از دساتیر الهی ﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾<sup>الحجرات: ۹</sup> و الهام گیری از دعای ابراهیمی ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾<sup>البقرة: ۱۲۶</sup> و پیروی از سنت محمدی «صلح حدیبیه» و تأسی از آثار اصحاب کرام «رُدُّوا الْخُصُومَ حَتَّى يَصْطَلِحُوا فَإِنَّ فَضْلَ الْقَضَاءِ يُجَدُّ بَيْنَ الْقَوْمِ الضَّعَافِينَ»<sup>(۶۶/۶:۹)</sup>

جهت رفع نیازمندی های جامعه بشری به ویژه کشور های که همیشه نزاع و اختلاف از ایشان قربانی میگیرد مانند کشور ما، بحیث افراد حقیقی و یا حکمی به عنوان مصلح، حکم، میانجی، خیر خواه و خیر اندیش، با استفاده و بهره گیری از امکانات دست داشته در اصلاح و ایجاد صلح میان طرفین نزاع اعم از: افراد، خانواده ها، گروه های متجانس و غیر متجانس، پرداخته و در ایجاد و تشکل جامعه عاری از خشونت و نزاع سهیم شوند.

**واژه های کلیدی:** مصالحه، اصلاح، صلح، آشتی، عدالت ترمیمی، نزاع، اختلاف، آیات و روایات.

#### مقدمه:

اصلاح، مصدر ثلاثی مزید در باب افعال از ریشه صلح است و صلح به معنای نیــک گردیدن، آشتی، سازش، آرامش، امنیت، آسودگی، عدم تباهی و فساد، برطرف شدن فساد و تباهی، عدم اختلاف و بیزاری بین مردم است، و اصلاح در معانی احسان و نیکی کردن، نیکو کردن، آبادانی، بهبودی، برطرف کردن فساد و تباهی، سازش دادن، ایجاد صلح کردن و آشتی دادن به کار رفته است.<sup>(۲۲:۲۲ و ۲۲:۲۳ و ۲۸۲:۱۴ و ۸۱۷:۱۲)</sup>

در عبارت "اصلاح ذات البین" واژه اصلاح به معنای سازش دادن، آشتی دادن و برطرف کردن فساد و تباهی به کار برده شده است. اصلاح ذات البین به معنای نیکو کردن حالت فاسد و رابطه بدی که بین اشخاص یا گروه ها پدید آمده و برطرف کردن تیره گی روابط ایجاد شده بین آنها است.<sup>(۶۱۹:۱۸)</sup> به تعبیری، اصلاح اساس ارتباطات، تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است<sup>(۸۳:۲۴)</sup>

در واقع صلح در معارف اسلامی به معنای زدودن کدورت ها، اختلافات و نزاع بین افراد، آشتی دادن آنها و ایجاد صلح و سازش و دوستی بین آنها است که در آیات و روایات متعددی به آن پرداخته و تأکید شده است، که اینک در ادامه این تحقیق و پژوهش نخست، تعدادی از آیات مربوط به صلح را مطالعه و بررسی نموده و سپس به بررسی برخی از روایات از پیامبر بزرگوار اسلام، اصحاب کرام، تابعین و ائمه دین، در این مورد خواهیم پرداخت.

#### پیشینه تحقیق:

در مورد سابقه و پیشینه تحقیق پیرامون این موضوع باید گفت که از حیث محتوا و مفهوم در متون دینی به ویژه قرآن کریم و احادیث پیامبر بزرگوار اسلام و اقوال ائمه و پیشوایان مسلمین و متون فقهی در مورد اصلاح، صلح و آشتی دساتیر و

رهنمایی های همه جانبه بی صورت گرفته و در آموزه های دینی به عنوان یک ارزش والا و براننده مطرح گردیده است و در اصطلاحات حقوق معاصر تحت عنوان عدالت ترمیمی بحیث یک اصطلاح کاملاً جدید و معاصر نیز جدیداً عرض اندام کرده و تلاش ها بر این است تا علاوه بر قضایای مدنی، برخی از قضایای جنایی هم از همین طریق مورد رسیدگی قرار گیرند، همچنان رسائل مستقل و مقالاتی هم در مورد نگاشته شده است که به عنوان «مشت نمونه خروار» برخی از آن ها را در ذیل به معرفی میگیریم:

۱: **فن الإصلاح بین الناس**: رساله ای است که توسط دانشمند معاصر، فهد بن فریح بن عویض المعلا الوابصی البلوی، یکی از استادان عرب پیرامون چگونگی اصلاح بین مردم در ۳۱ صفحه به زبان عربی نگاشته شده است.

۲: **نشر الورد والریاحین بإصلاح ذات البین وسلامة الصدور المؤمنین**: رساله کوچکی است که توسط خالد بابطین، پیرامون اهمیت و ارزش اصلاح در ۱۰ صفحه به زبان عربی تحریر گردیده.

۳: **الصلح فی الجنایات**: رساله ای است دارای ۲۴ صفحه نوشته أحمد بن سلیمان العرینی، القاضی بالحکمة الکبری بالریاض، به زبان عربی.

۴: **حکم معاهدات الصلح والسلام مع اليهود وموقف المسلم منها**: رساله ای است دارای ۱۶ صفحه که توسط د. عبد الرحمن عبد الخالق به زبان عربی در مورد حکم صلح بین گروه های غیر متجانس نگاشته شده است.

۵: **الصلح فی ضوء القرآن الکریم**، کتابی است دارای ۱۱۵ صفحه، مؤلف آن طه عابدین طه، میباید پیرامون صلح در پرتو قرآن به زبان عربی نگاشته شده است.

اما این همه کتب و رسائل طوریکه مشاهده نمودید، به زبان عربی نگاشته شده اند، که بهره گیری از آن برهمگان دشوار است، البته رسائل و مقالاتی در مورد به زبان دری نیز تحریر یافته است اما خیلی اندک و انگشت شمار بوده که در دسترس همگان قرار گرفته نمیتواند، ازینرو نگارش مقاله ای در مورد، آنهم به زبان دری خیلی ها ضروری و مفید خواهد بود.

**اصلاح ذات البین در آیات قرآن کریم.**

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید بار بار مسلمانان را به اصلاح بین مردم امر فرموده و آنها را در اختلافات بین خود توصیه و سفارش به مصالحه کرده و صلح را برتر و بهتر معرفی کرده است. در واقع خداوند متعال هم به اصلاح و ایجاد سازش، مسلمانان را امر کرده است و هم طرفین اختلاف و منازعه را به سازش و مصالحه توصیه و سفارش نموده است، که اینک هر یک را مورد پژوهش قرار میدهیم.

**اصلاح و ایجاد سازش**: قرآن کریم در آیه نخست سوره انفال، همراه دستور به تقوای الهی به صراحت به اصلاح ذات البین دستور میدهد، چنانچه فرموده است: ﴿فَأَقْضُوا لِلَّهِ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾<sup>۱</sup> **الأنفال**: یعنی از (مخالفت دستور) خداوند بپرهیزید و اختلافات بین خود را اصلاح و آشتی دهید.

این آیه در مورد اختلاف و مشاجره ای که بین بعضی از مسلمانان در باره نحوه تقسیم غنائم جنگی (پس از جنگ بدر) پیش آمده بود، نازل شده است. در ابتدا حکم مالکیت غنائم جنگی بیان شده و غنائم جنگی از آن خداوند متعال و پیامبر ﷺ عنوان شده است. در ادامه به مسلمانان دستور داده است که تقوای الهی را پیشه نموده و بین خود صلح و آشتی برقرار کنند. ناگفته پیداست، که بر مبنای قواعد و معیارهای علم تفسیر، این دستور اگرچه موردش خاص است اما حکم آن کلی و عام است و اختصاصی به اختلافات در مورد غنائم جنگی ندارد و در هر موضوعی که بین دو نفر یا دو دسته (یا بیشتر) از مسلمانان اختلاف و نزاع پیش آید، بر مسلمانان است که بین آنها صلح و دوستی برقرار کنند، زیرا که بین مفسرین قاعده معروفی است «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب»<sup>(۲۵: ۸۲ و ۸۱)</sup> یعنی در آیات قرآنی عمومیت لفظ مدار اعتبار است نه خصوصیت سبب و مورد. بنابر این طبق دستور الهی هرگاه بین دو یا چند نفر مسلمان اختلاف، نزاع، مشاجره و خصومتی پیش آید، اولاً باید تقوا پیشه گیرند که در این حالت تقوا به معنای دوری از نزاع و خصومت و تفرقه است؛ ثانیاً دیگر مسلمانان باید در رفع اختلافات آنها کوشش کرده و بین آنها اصلاح کنند. در صورتی که کار دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ کشیده شود، فرمان و دستور به آشتی دادن آن دو گروه داده خداوند متعال میفرماید: ﴿وَلِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾<sup>الحجرات: ۹</sup> یعنی هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ بپردازند، آن دو را با هم آشتی دهید و بین آن دو صلح برقرار نمایید. البته این حکم تنها اختصاص به کار زار و جنگ ندارد، بلکه موارد غیر جنگی را نیز در بر میگیرد و شامل هر نوع درگیری، منازعه و حتی مقدمات آن می شود. بنابر این در مواقعی که اختلاف

هنوز منجر به جنگ و درگیری نشده و در حد مشاجره و بگو مگو است و در واقع به سوی جنگ و نزاع کشیده می شود، باید بین این دو گروه اصلاح نموده و صلح و آشتی برقرار کرد.

شان نزول این آیه مربوط به مشاجره لفظی و درگیری با چوب و کفش و دست بین دو دسته از مسلمانان بوده و به مرحله جنگ و خونریزی نرسیده بوده که آیه فوق نازل شد. (۱۲: ۲۶، ۲۳۷) بدیهی است اصلاح و آشتی دادن در صورتی است که دو طرف نزاع، تمایل به صلح و آشتی داشته باشند (داوطلبانه به صلح تن دهند). اما اگر یکی از دو گروه خواهان صلح و آشتی نباشد و بر گروه دیگری تجاوز کند، در این صورت چاره ای نیست جز اینکه جلو ظلم و تجاوز گروه متجاوز گرفته شود و در اینجا است که قرآن کریم می فرماید: ﴿فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ﴾ <sup>۹</sup> الحجرات: ۹ یعنی اگر یکی از آن دو گروه به گروه دیگر تجاوز نمود با گروه متجاوز نبرد نمایید تا به فرمان الهی بازگردد.

در این صورت اگر گروه متجاوز به فرمان الهی بازگشت و تسلیم حکم خدا شد و زمینه صلح و آشتی ایجاد شد، باز باید بین آنها صلح و آشتی برقرار کرد، این اصلاح و برقراری صلح و آشتی باید روی موازین عدل و انصاف باشد؛ یعنی اگر در این نزاع و درگیری هرگونه حقی از دو گروه پایمال یا خونی ریخته شده که منشأ درگیری و نزاع شده باشد، باید جبران و اصلاح شود تا اصلاح عادلانه و از روی عدالت باشد. (۱۲: ۲۶، ۲۳۸ و ۱۸: ۲۵۱) چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿فَإِنْ فَاتَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ <sup>۹</sup> الحجرات: ۹ یعنی، اگر بازگشت، میان آنها به انصاف و عدل سازش دهید.

قرآن کریم در ادامه به بیان حکمت و فلسفه انجام این وجیبه و مسئولیت پرداخته و می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ <sup>۱۰</sup> الحجرات: ۱۰ یعنی مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید.

قرآن کریم با این حکم کلی، فلسفه اصلاح بین دو گروه متخاصم را بیان می کند و می فرماید: مؤمنان همه برادر یکدیگرند و در صورتی که دو فرد یا دو دسته از مؤمنان بر سر هر چیزی (اگرچه کوچک باشد) با هم اختلاف پیدا کردند، از یک طرف این دو با هم برادر هستند و از طرف دیگر، شما هم برادر آنها هستید. در جامعه اسلامی باید همه خود را با هم برادر بدانند، چه آنانی که با هم اختلاف دارند و چه دیگران و افرادی که قادر به حل اختلافات آنان و ایجاد صلح و آشتی بین آنها هستند. البته افراد مصلح و آشتی دهندگان، باید از جانب‌داری و عدم رعایت عدالت پرهیز کنند و تقوای الهی را پیشه کنند تا مشمول رحمت الهی شوند. بنابر این اصلاح عادلانه و از روی عدالت در منازعات و تجاوزات اشخاص جامعه علیه یکدیگر، این است که حق ستم دیده (متضرر و قربانی) به او باز پس داده شود و خسارتهای وارد شده بر او جبران شود. به این اساس در فرایند اصلاح ذات البین متجاوز (مجرم) باید خسارات وارد شده بر ستم دیده (متضرر و قربانی) را ترمیم و جبران کند. به طور کلی هر گونه خسارتی که از تجاوز و تعدی (ارتکاب جرم) ایجاد شده است باید جبران و ترمیم شود.

البته قضیه اصلاح ذات البین از چنان اهمیتی در قرآن کریم برخوردار است که در چندین مورد باعث تغییر حکم بعضی اعمال شده و یا به عبارت دیگر دلیل لزوم اصلاح ذات البین بر دلیل حرمت آن اعمال حکومت دارد و حکم اصلاح ذات البین در آن موارد بر حکم حرمت آن اعمال پیشی می گیرد و حکم آن عمل تغییر می کند که برخی این موارد قرار ذیل اند:

۱: قرآن کریم در مورد نجوا و سخنان سرگوشی در حضور جمع، از یک سو نجوا را از ناحیه شیطان معرفی می کند ﴿إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ﴾ <sup>۱۰</sup> المجادلة: ۱۰ و از سوی دیگر می فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ﴾ <sup>۱۱</sup> النساء: ۱۱ یعنی، در بسیاری از سخنان سرگوشی خیر و سودی نیست. و در عین حال اگر نجوا در کار نیک و تقوا باشد، نه تنها آن را ازین حکم استثناء نموده بلکه از آن تقدیر و ستایش کرده می فرماید: ﴿إِلَّا مَنَ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ آيَةً مِّن رَّبِّهِ فَيَسْأَلْهُ عَنَّا فَيَكْفُرْ بِمَا جَاءَهُ فَيَكْفُرْ بِهِ فَإِن كَانَ حَتَمًا عَلَى النَّاسِ فَيَضْرِبْهُم بِالْحَقِّ يَمْلِكُ مَن يَشَاءُ﴾ <sup>۱۱</sup> النساء: ۱۱ یعنی، مگر برای توصیه به کمک دیگران (صدقه) یا انجام کار نیک یا اصلاح بین مردم باشد و کسی در جهت خشنودی خداوند تعالی چنین کند، پاداش بزرگی نزد خداوند متعال خواهد داشت.

بنابر این در صورتی که نجوا در جهت اصلاح ذات البین باشد، نه تنها ممنوع نیست بلکه ممدوح نیز است و پاداش الهی دارد. افزون بر این اصلاح بین مردم از مصادیق کار نیک، تقوا و در کنار امر به معروف و صدقه قرار گرفته است.

۲: رعایت عدالت در وصیت: همچنان قرآن کریم تبدیل و تغییر وصیت را گناه معرفی نموده می فرماید: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ <sup>۱۱</sup> البقرة: ۱۸۱ یعنی، پس هر که (اعم از شاهد و وصی) آن را بعد از شنیدن تغییر دهد، تنها گناه

آن بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند (و وصیت کننده در پیشگاه خدا پاداش خود را می گیرد). خداوند شنوا و دانا است (و گفتار همگان را می شنود و نیات همگان را می داند) در این صورت اگر وصیت کننده عدالت را رعایت نکرده و برخی از بازماندگان را بدون دلیل بردیگران برتری دهد یا وصیت به امور خلاف کند و وصیت او موجب اختلاف، کینه و دشمنی بین بازماندگان شود، در این حالت تغییر وصیت در جهت اصلاح بین بازماندگان (اعم از کسانی که برای آنها وصیت شده و ورثه وصیت کننده) جایز است و این تبدیل وصیت، گناه محسوب نمی شود.

چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْرَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ البقرة: ۱۸۲ یعنی کسی که از انحراف وصیت کننده (از جاده عدالت) یا از گناه او (به سبب ترک قانون شریعت) بترسد (و آن انحراف و گناه نزاعی را که بدین علت میان ورثه در گرفته است، تبدیل و تغییر دهد) و صلح و صفا را میان آنان (که وصیت برایشان شده یا وارثان مرده هستند) راه بیندازد، گناهی بر او نیست (و مشمول قانون تبدیل وصیت نمی باشد). بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است (و مغفرت خود را شامل او می سازد و پاداش نیکوکاریش را می دهد)

بنابر این تغییر و تبدیل وصیت و وصیت کننده (که گناه بزرگی است) در راستای اصلاح ذات البین جایز می شود و گناه آن برداشته می شود. یعنی: بر شخصی که با هدف خیر و اصلاح، در وصیت تغییر ایجاد می کند گناهی نیست زیرا خداوند آمرزنده مهربان است بر کسی که با هدف خیر و اصلاح، در وصیت تغییر به وجود می آورد.

دکتور زحیلی در مورد فرموده است: «از اصل گناه بودن ایراد تبدیل و تغییر در وصیت، حالت اصلاح و خیر اندیشی به گونه استثنایی بیرون شده است، به این مفهوم که هرگاه وصیت کننده در جریان وصیت از جاده شرع و عدالت به گونه عمدی یا غیر عمدی منحرف گردد و شخصی با درک این حقیقت، بین طرفین (موصی و موصی له و یا ورثه و موصی له) با ایراد تغییر مثبت در وصیت اصلاح کند، درین صورت شخص مصلح مرتکب گناهی شمرده نشده و مأجور می گردد» (۱۲: ۱۲۰)

۳: همچنان وفا به قسم لازم و شکستن آن حرام و موجب مؤاخذه بر آن است، الله تعالی فرموده است: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ البقرة: ۲۲۵ یعنی، خداوند شما را به خاطر سوگندهائی که بدون توجه یاد می کنید و از روی عادت، نه از روی قصد و نیت از دهان می پرد) مؤاخذه نخواهد کرد (و کفاره یا عقاب بر آن مترتب نیست) ولیکن شما را در برابر آنچه دلهايتان کسب کرده است (و از روی اراده و اختیار بوده است) مؤاخذه می کند (و کفاره یا عقاب بر آن مترتب است)، و خداوند آمرزنده و بردبار است (و گناهان را می بخشد و لغزشها را نادیده می گیرد و در رساندن عقاب شتاب نمی ورزد) لکن در جهت اصلاح ذات البین شکستن قسم روا و در مواقعی لازم می شود. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ البقرة: ۲۲۴ یعنی، خداوند را وسیله سو گندهای خود قرار ندهید تا از کار نیک، تقوا و اصلاح میان مردم باز بمانید. یعنی سوگند به نام خداوند تبارک و تعالی را مانع انجام کار نیک و تقوا و اصلاح ذات البین قرار ندهید. در این آیه نیز اصلاح ذات البین در ردیف کار نیک و تقوا قرار گرفته است.

به این ترتیب اصلاح ذات البین و سازش دادن بین مردم از نظر قرآن کریم اهمیت بسیار دارد، از برنامه های مهم اسلام به شمار می رود و مسلمانان باید در جهت رفع منازعه و اختلاف برادران دینی خود تلاش کرده و بین آنان آشتی برقرار کنند. بنابر این در مواردی که شخصی به شخص دیگری تعدی و تجاوز می کند؛ یعنی در اختلافات کیفری، افراد جامعه اسلامی موظف اند بین ستم دیده، یعنی متضرر و متجاوز، یعنی مجرم از طریق گفتگو و مذاکره صلح و آشتی برقرار کنند. در اینجا نقش جامعه و اعضای آن در رفع اختلافات کیفری و ایجاد صلح و آشتی بین متضرر و مجرم مشخص می شود، در واقع سیاست جنایی اسلام جامعوی و مشارکتی محسوب می شود و جنبه ترمیمی آن به گونه واضح و روشن تبارز نموده و برجسته می گردد، و پیش قدمی خویش را نسبت به دیدگاه عدالت ترمیمی معاصر و امروزی به اثبات میرساند. ادامه دارد...